

## بسم الله الرحمن الرحيم

به آنانی که گرچه جغرافیا میان مان فاصله انداخته است، اما حقیقت، بی‌اعتنا به مرزها، ما را در افقی انسانی و مشترک، گرد هم می‌آورد.

ما جمعی از جوانان ایرانی هستیم؛ انسان‌هایی که مشابه شما، آرزوها و رویاهایی بزرگ در سر می‌پرورانند. شاید نام کشور ما را بارها شنیده باشید، اما صدای واقعی ملت ما کمتر به گوش شما رسیده است؛ صدایی که امروز نه از زبان مردم، بلکه از حنجره کسانی بیرون می‌آید که در پوشش حقوق بشر، در پی قدرت‌طلبی و تزییع حقوق انسان‌ها هستند.

دهه‌هاست کشور ما در معرض فشارهای گوناگون اقتصادی و سیاسی آمریکا و برخی کشورهای اروپایی قرار دارد، اما در سال‌های اخیر، این فشارها بیش از هر چیز در قالب جنگ شناختی و رسانه‌ای نمود یافته‌اند؛ عرصه‌ای که در آن، خبر، روایت و تصویر، به ابزار جهت‌دهی افکار عمومی و وسیله‌ای برای پیشبرد منافع سیاسی بدل شده‌اند. در چنین فضایی، مرز میان واقعیت و دروغ هر روز کمرنگ‌تر می‌شود و روایت‌های نادرست، جای تجربه‌ی زیسته‌ی مردم را می‌گیرند و آنچه اکنون از بیرون درباره‌ی ایران بازنمایی می‌شود، اغلب با آنچه ما ایرانیان در زندگی روزمره لمس می‌کنیم فاصله‌ای معنادار دارد؛ تا جایی که گاه خود ما نیز از شنیدن برخی روایت‌ها شگفت‌زده می‌شویم.

اهمیت این مسئله تا آنجاست که مجمع جهانی اقتصاد (WEF)، اخبار جعلی را به عنوان بزرگ‌ترین تهدید جهان تا پایان سال ۲۰۲۷ معرفی کرده است؛ و امروز ایران در کانون این تهدید قرار دارد. به طوریکه در اکثر خبرگزاری‌های جهانی و بین‌المللی، مطالب نادرستی در مورد ایران منتشر می‌شود. این اخبار نه تنها می‌خواهند افکار عمومی جهان را فریب دهند، بلکه در تلاش برای فریب مردم ایران هم هستند. به طوریکه در حال حاضر، ده‌ها شبکه برون‌مرزی، که برخی از آن‌ها به‌صورت علنی از سوی رژیم صهیونیستی حمایت می‌شوند، می‌کوشند بر ذهن و ادراک میلیون‌ها ایرانی اثر بگذارند. برای روشن تر شدن میزان معضل بودن انتشار اخبار جعلی در داخل ایران، باید گفت طبق نتایج یک پیمایش ملی که توسط مرکز بینش‌های رفتاری ایران<sup>۲</sup> انجام شده، ۹۲٫۶ درصد افراد بالای ۱۸ سال ایران حداقل با یکی از ۷ خبر جعلی پرتکرار سالیان اخیر در ایران مواجه شده‌اند.<sup>۳</sup> همچنین ۸۲ درصد از ایرانی‌ها حداقل یکی از این اخبار را «درست دانسته» یا نسبت به حقیقت آن «مطمئن نبودند». این میزان بسیار بالاست و نشان از یک جنگ شناختی و رسانه‌ای علیه مردم ایران دارد. برای مقایسه بهتر بهتر است توجه کنیم که طبق گزارش مرکز تحقیقات پیو در سال ۲۰۲۰، حدوداً ۵۰٪ مردم آمریکا با حداقل با یکی از اخبار جعلی مواجه شده‌اند.<sup>۴</sup>

البته این تلاش‌ها تنها معطوف به جامعه ایران نیست، بلکه اینها بخشی از پروژه‌ای گسترده‌تر برای مهندسی افکار عمومی جهانی علیه ایران به شمار می‌آیند. نمونه‌های متعددی وجود دارد که در آن‌ها، روایت‌های نادرست چنان فراگیر شده‌اند که حتی نهادهای علمی و بین‌المللی نیز بر پایه‌ی اطلاعات ناقص یا تحریف‌شده، موضع‌گیری کرده‌اند. برای مثال در سال ۲۰۲۲ و پس از نامه انجمن روانشناسی آمریکا به سازمان ملل در خصوص ابراز نگرانی از وضعیت زنان در ایران، ایرانیان تلاش‌های مسئولانه و گسترده‌ای در جهت روشن‌گری و تبیین واقعیت‌ها داشتند. از جمله نامه «۴۰ نفر از زنان نخبه و اعضای هیات علمی دانشگاه‌های مختلف ایران به رئیس APA». البته در این مورد و در بسیاری از موارد دیگر، این تلاش‌ها بی‌پاسخ مانده و یا با مداخله شبکه‌های ضدایرانی مواجه شده است. از نظر ما تداوم این چرخه، صدای واقعی مردم ایران را به حاشیه رانده و جای آن را به تصاویری یک‌سویه و نادرست می‌دهد و باعث پنهان شدن واقعیت و حقیقت از چشم مردم جهان می‌شود.

<sup>1</sup> Elsner, M., Atkinson, G., & Zahidi, S. (2025). The Global Risks Report 2025. World Economic Forum. [https://reports.weforum.org/docs/WEF\\_Global\\_Risks\\_Report\\_2025.pdf](https://reports.weforum.org/docs/WEF_Global_Risks_Report_2025.pdf)

<sup>2</sup> <https://iranbehavioralinsights.ir/>

<sup>3</sup> <https://metaacenter.com/portfolio/%d8%a7%d8%ae%d8%a8%d8%a7%d8%b1-%d8%ac%d8%b9%d9%84%db%8c/>

<sup>4</sup> Schaeffer K (2020) Nearly three-in-ten Americans believe COVID-19 was made in a lab. Pew Research Center, 8 April. Available at: [www.pewresearch.org/fact-tank/2020/04/08/nearly-three-in-ten-americansbelieve-covid-19-was-made-in-a-lab/](http://www.pewresearch.org/fact-tank/2020/04/08/nearly-three-in-ten-americansbelieve-covid-19-was-made-in-a-lab/)

بنابراین ما این نامه را برای گشودن دریچه‌ای به سوی حقیقتی پنهان مانده و کمتر شنیده شده می‌نگاریم. ایران، تنها آن چیزی نیست که در تیتراها و روایت‌های یک‌جانبه بازتاب می‌یابد. مردمان این سرزمین، آمیزه‌ای از تجارب تلخ، ایستادگی‌های تکرارناشدنی، پیشرفت‌های چشمگیر، کاستی‌ها و تلاش‌های روزمره‌اند. امید ما این است که این نامه، روزنه‌ای هرچند کوچک برای شنیدن صدایی مستقیم باشد؛ صدایی که از دل جامعه زنده و متکثر ایران بر می‌خیزد.

## مروری بر تاریخ ایران در دوپست سال اخیر

برای درک عمیق‌تر شرایط امروز ایران، مطالعه‌ی تاریخ و فرهنگ چند هزارساله‌ی این سرزمین ضرورتی انکارناپذیر است. حدود ۱۴۰۰ سال پیش، با ورود اسلام به ایران، اکثریت جامعه آگاهانه این دین را پذیرفتند و از آن زمان، اسلام، و به‌ویژه تشیع، در تار و پود فرهنگی، فکری و اجتماعی ایران ریشه دوانده است. بسیاری از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ و فرهنگ ما، از حافظ و مولانا و سعدی گرفته تا فردوسی، نظام‌الملک و خواجه‌نصیرالدین طوسی، در همین بستر فکری بالیده‌اند. (در این زمینه می‌توان به آثار اندیشمندانی چون سید حسین نصر، استاد دانشگاه هاروارد، مراجعه کرد.)

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه‌ی خود، همواره در معرض طمع قدرت‌های بزرگ بوده است. دسترسی به آب‌های آزاد از طریق خلیج فارس و دریای عمان، حاکمیت بر تنگه‌ی راهبردی هرمز، یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی جهان، و قرار گرفتن در میان پنج کشور نخست دارنده‌ی منابع نفت و گاز، جایگاه ژئوپلیتیکی ایران را به‌طور مستمر در کانون منازعات جهانی قرار داده است. افزون بر این، هم‌مرزی با کشورهای مهم و ناپایدار منطقه، از جمله افغانستان، پاکستان، عراق و سوریه، در کنار منافع راهبردی، مخاطرات امنیتی جدی نیز برای ایران به همراه داشته است؛ به‌گونه‌ای که ایران در دهه‌های اخیر ناگزیر به مقابله با جریان‌های تروریستی و سلفی-تکفیری شده و در جنگ با داعش، بیش از سه هزار کشته و شهید داده است.

این مجموعه عوامل، منابع عظیم انرژی، موقعیت مرزی حساس و دسترسی به آب‌های آزاد، از جمله دلایل اصلی مداخلات و منازعات مکرری بوده‌اند که در طول تاریخ، در ایران رخ داده‌اند. مروری کوتاه بر برخی از این رخدادها، تصویری روشن‌تر از زمینه‌های تاریخی وضعیت کنونی ارائه می‌دهد:

- جنگ‌های ایران و روسیه (۱۸۰۴-۱۸۲۴):  
این جنگ‌ها که در پی نفوذ روسیه تزاری در قفقاز شکل گرفتند، به پیمان‌های گلستان و ترکمانچای انجامیدند و طی آن‌ها بخش‌های مهمی از سرزمین‌های ایران، همراه با پرداخت غرامت‌های سنگین، از دست رفت.
- جنگ ایران و انگلیس (۱۸۵۵-۱۸۵۷):  
نزاعی بر سر نفوذ بریتانیا در ایران و کنترل تجارت خلیج فارس که بار دیگر حاکمیت ملی ایران را تضعیف کرد.
- جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸):  
با وجود اعلام بی‌طرفی، ایران هدف اشغال نیروهای بریتانیا قرار گرفت؛ اشغالی که به یکی از بزرگ‌ترین قحطی‌های تاریخ ایران انجامید و بنا بر اسناد تاریخی، جان ۹ میلیون ایرانی را گرفت.
- جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵):  
در سال ۱۹۴۱، ایران به‌دلیل اهمیت راهبردی‌اش به‌عنوان پل ارتباطی شرق و غرب، توسط بریتانیا و شوروی اشغال شد. در این دوره، حاکمیت سیاسی کشور عملاً در اختیار نیروهای خارجی قرار گرفت؛ رضاشاه (اولین شاه دوره پهلوی) به دستور متفقین تبعید شد و فرزندش، محمدرضا پهلوی، با حمایت آمریکا و انگلیس به سلطنت رسید، در حالی که مردم ایران هیچ نقشی در این تصمیم‌ها نداشتند و منابع نفتی کشور نیز بی‌محابا غارت می‌شد.
- جدایی بحرین (۱۹۷۱):  
در نتیجه‌ی مداخلات طولانی‌مدت بریتانیا، بحرین که پیش‌تر بخشی از ایران به‌شمار می‌رفت، به‌طور رسمی از ایران جدا شد.
- کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹۵۳):  
دولت ملی دکتر محمد مصدق، که با رای مردم و با هدف ملی‌کردن صنعت نفت بر سر کار آمده بود، با طراحی و اجرای سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و بریتانیا سرنگون شد؛ رخدادی که زخمی عمیق در حافظه‌ی تاریخی ایرانیان بر جای گذاشت.

در چنین بستری، انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ شکل گرفت. مردمی که تجربه‌ی اشغال، تحقیر و مداخله‌ی خارجی را بارها از سر گذرانده بودند، در پی مسیری نو برآمدند؛ مسیری که جمهوریت را با فرهنگ، هویت و دین رسمی‌شان پیوند دهد و اصل استقلال و حق تصمیم‌گیری درباره‌ی منابع و سرنوشت ملی‌شان را احیا

کند. نیروی محرکه این تحول، عمدتاً از باورهای دینی مردم برمی‌خاست، هرچند جریان‌های فکری دیگری همچون مارکسیسم نیز در آن حضور داشتند. این انقلاب با مشارکت گسترده مردم و به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید و به پایان نظام سلطنتی‌ای انجامید که استبداد، ناکارآمدی و وابستگی‌اش به قدرت‌های خارجی برای همه آشکار بود. در فروردین ۱۳۵۸، مردم ایران در همه‌پرسی‌ای تاریخی، با رای قاطع خود به نظام جمهوری اسلامی «آری» گفتند؛ همه‌پرسی‌ای که به‌منظور اعمال اراده مستقیم مردم در اداره کشور برگزار شد.

با این حال، پس از پیروزی انقلاب، دوره‌ای دشوار برای ایرانیان آغاز شد. فشارهای خارجی و اقدامات گروه‌های مسلح مخالف و تجزیه‌طلب، امنیت و آرامش جامعه ایران را هدف قرار دادند. گروه‌هایی چون سازمان مجاهدین خلق با اقدامات خشونت‌بار و ترورهای گسترده، جان ۱۷ هزار نفر از شهروندان و مسئولان کشور را گرفتند. هم‌زمان، در سال ۱۹۸۰، رژیم بعث عراق با تشویق و حمایت گسترده قدرت‌های غربی به ایران حمله کرد. این جنگ هشت‌ساله، که ایرانیان از آن با عنوان «دفاع مقدس» یاد می‌کنند، بدون حمایت همه‌جانبه آمریکا و کشورهای اروپایی از رژیم بعث عراق، امکان‌پذیر نبود. آمریکا و متحدانش، با فروش گسترده تسلیحات، ارائه اطلاعات نظامی حساس و همکاری مستقیم برای تضعیف توان دفاعی ایران، نقشی تعیین‌کننده در تداوم این جنگ و کشته شدن حدود ۳۰۰ هزار ایرانی ایفا کردند. هم‌زمان، عراق با پشتیبانی فنی برخی کشورهای اروپایی، از جمله آلمان، به سلاح‌های شیمیایی مجهز شد و از آن‌ها به‌طور گسترده علیه غیرنظامیان ایرانی استفاده کرد. این اقدامات، نه پنهان بوده‌اند و نه فاقد سند هستند، بلکه به‌عنوان یکی از فاجعه‌بارترین جنگ‌های قرن بیستم یاد می‌شوند. همچنین در سال ۱۳۶۷، نیروی دریایی ایالات متحده در اقدامی آشکار و غیرقابل توجیه، هواپیمای مسافربری ایران را بر فراز خلیج فارس هدف قرار داد و ۲۹۰ غیرنظامی، از جمله ۶۱ کودک را به قتل رساند. این هواپیما در مسیر پروازی رسمی و غیرنظامی در حال حرکت بود. آنچه این رخداد را به نمادی جهانی از جنایت علیه بشریت بدل کرد، واکنش‌های پس از این حمله بود: عاملان این کشتار نه‌تنها محاکمه نشدند، بلکه از سوی رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده مورد تقدیر قرار گرفتند.

متأسفانه پس از پایان جنگ با عراق نیز، فشارها پایان نیافت. ایران طی دهه‌های اخیر هدف یکی از گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین سازوکارهای تحریمی جهان قرار گرفته و در میان معدود کشورهایی است که بیشترین تعداد تحریم‌های بین‌المللی علیه آن اعمال شده است. این تحریم‌ها صرفاً ابزار فشار سیاسی نبوده‌اند؛ بلکه مستقیماً زندگی مردم عادی را نشانه گرفته‌اند. تأثیر آن‌ها بر اقتصاد، آموزش و به‌ویژه نظام سلامت، مشهود و مستند است. محرومانند مبتلایان به بیماری پروانه‌ای از دسترسی به پانسمان‌های حیاتی تنها یک نمونه از پیامدهای انسانی این سیاست‌هاست. این واقعیت نشان می‌دهد که تحریم‌ها علیه ایران، برخلاف ادعاهای مقامات اروپایی و آمریکایی، مستقیماً جان و زندگی انسان‌های بی‌دفاع را نشانه می‌گیرند.

## جهان؛ پس از ۷ اکتبر

می‌توان گفت جهان سیاسی و اخلاقی معاصر به «پیش و پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳» تقسیم شده است. عملیات «طوفان الاقصی» در غزه، که از سوی گروه‌های مقاومت فلسطینی برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغال شده آغاز شد، نقطه‌عطفی تعیین‌کننده در منازعه فلسطین و اسرائیل بود. پس از آن، حملات گسترده و بی‌وقفه اسرائیل علیه مردم غیرنظامی غزه آغاز شد؛ حملاتی که به کشته‌شدن ده‌ها هزار زن و کودک انجامید و موجی بی‌سابقه از اعتراضات جهانی را رقم زد، اعتراضاتی که به یکی از گسترده‌ترین جنبش‌های اجتماعی قرن بیست‌ویکم بدل شد.

آنچه این اعتراضات را از نمونه‌های پیشین متمایز می‌کند، خاستگاه آن است که از دانشگاه‌هایی در قلب کشورهای حامی اسرائیل برخاسته است. دانشجویان در ایالات متحده و اروپا، با علم به پیامدهای شخصی و تحصیلی، خواستار قطع همکاری دانشگاه‌های خود با شرکت‌های تسلیحاتی شدند که مستقیماً در کشتار غزه نقش دارند. برای نخستین‌بار در فضای رسمی آکادمیک غرب، واژه‌هایی چون «نسل‌کشی» و «آپارتاید» نه در حاشیه، بلکه در متن گفتمان دانشگاهی به کار گرفته شد. این نسل، آشکارا نشان داد که دیگر حاضر نیست روایت‌های رسمی دولت‌هایش را بی‌چون‌وچرا بپذیرد. در ایالات متحده، بزرگ‌ترین حامی نظامی و سیاسی اسرائیل، دانشجویان دانشگاه‌هایی چون کلمبیا و هاروارد به یک رهیافتی اساسی دست یافتند: آنچه در غزه رخ می‌دهد، جنایت علیه بشریت است. امروز در سراسر جهان، فریاد دفاع از فلسطین شنیده می‌شود. دفاعی که نه مسئله‌ای مذهبی است و نه قومی، بلکه دفاع از ابتدایی‌ترین حق انسان، یعنی «حق حیات» و «حق سرزمین» است. این جنبش، با افزایش هزینه‌ی سیاسی و اقتصادی جنایت، در حال تغییر معادله‌ای است که دهه‌ها یک‌طرفه بوده است.

در این بستر، لازم است نسبت ایران و مردم ایران با مسئله‌ی فلسطین روشن شود؛ به‌ویژه در برابر روایت‌هایی که به‌دروغ می‌کوشند مردم ایران را حامی اسرائیل معرفی کنند. در سال ۱۹۴۷ و دوران حکومت محمدرضا پهلوی، با وجود اینکه سیاست حکومت وقت بر پایه دشمنی با اسرائیل نبود، ایران به طرح تقسیم

فلسطین (قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل) رای منفی داد؛ رای که برخاسته از فشار افکار عمومی و هویت اسلامی جامعه بود. پس از انقلاب ۱۳۵۷، رابطه ایران و اسرائیل به کلی دگرگون شد: امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب اسلامی ایران، صراحتاً بیان کرد: «مسئله فلسطین، مسئله اول جهان اسلام است». بر این اساس، سفارت اسرائیل در تهران به یاسر عرفات، رهبر وقت جنبش فتح واگذار شد و مقابله با اشغال فلسطین به یکی از ارکان سیاست خارجی ایران بدل گشت. برای نمونه، ایران تکنولوژی ساخت موشک‌های نقطه‌زن و پهپادهای انتحاری را به غزه منتقل کرد. موشک‌هایی مانند «فجر-۵» که لوزه بر تن تل‌آویو انداخت، الگوبرداری از دانش ایرانی بودند.

امروز بر همگان واضح و مبرهن است که برخلاف برخی دولت‌های عربی، ادعای ایران در راستای حمایت از حقوق مردم فلسطین، شعاری و نمایشی نبوده است. ایران به دلیل حمایت از آرمان فلسطین و به رسمیت نشناختن اسرائیل، هدف تحریم‌های گسترده، ترور دانشمندان و فرماندهان نظامی، حملات سایبری و فشارهای بی‌سابقه‌ی رسانه‌ای قرار گرفت. بخش قابل توجهی از تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران، مستقیماً تحت عنوان «حمایت از تروریسم» اعمال شده‌اند؛ عنوانی که در عمل به معنای حمایت ایران از گروه‌های مقاومت در برابر اشغال‌گری اسرائیل است. این تحریم‌ها، نه حکومت، بلکه زندگی روزمره مردم ایران را نشانه گرفته‌اند. این دقیقاً همان نقطه مشترک میان ما و شماست. جایی که آزادگان از هر کجای جهان، به یک نقطه مشترک می‌رسند: حق آزادی برای مردم فلسطین و حق آزادی برای همه مردم جهان.

اما همانطور که گفته شد، دفاع از آزادی و آزادی برای هر شخص و ملتی هزینه‌ها و مشکلاتی در پی دارد. برای مثال هرگونه بی‌ثباتی داخلی در ایران، به فرصتی برای اسرائیل و متحدانش تبدیل می‌شود. در ژانویه ۲۰۲۶، هم‌زمان با فشارهای شدید اقتصادی، تشدید تحریم‌ها، حمله نظامی اسرائیل به ایران و جنگ دوازده‌روزه، اعتراضات اقتصادی در برخی شهرهای ایران شکل گرفت. این اعتراضات، به سرعت توسط شبکه‌ای از گروه‌های مسلح و تروریستی وابسته به اسرائیل، موساد و گروهک‌های تجزیه‌طلب ربوده شد. در ۸ و ۹ ژانویه، این گروه‌ها با سلاح گرم و سرد به مردم عادی و نیروهای پلیس حمله‌ور شدند و صحنه‌هایی خونین و غیرقابل باور رقم زدند. طبق آمار رسمی، در این دو روز ۳۱۱۷ نفر جان باختند که ۲۴۲۷ نفر از آنان شهروندان عادی، مردم بی‌گناه و معترضانی بودند که قربانی خشونت تروریستی شدند. با این حال، همان بازیگران این عملیات، بلافاصله جنگ روایت را آغاز کردند. رسانه‌های وابسته به رژیم صهیونیستی، بدون ارائه حتی یک سند معتبر، آمارهای ساختگی و متغیر، از ۱۲ هزار تا ۳۶ هزار و ۷۰ هزار کشته را منتشر نموده و تلاش کردند قربانیان این کشتار تروریستی هدفمند را به ابزار پیشبرد اهداف خود بدل سازند و پلیس ایران را متهم کنند. این تحریف عریان واقعیت، نمونه‌ای روشن از همان جنگ رسانه‌ای است که حقیقت را نه بر اساس اسناد، بلکه بر اساس منافع سیاسی بازتولید می‌کند. البته مردم ایران در ۱۲ ژانویه با حضور در خیابان‌ها و راهپیمایی و ایجاد اجتماعات میلیونی، حمایت خود را از آیت الله خامنه‌ای، تمامیت ارضی و نیروهای نظامی اعلام کردند. اما عجیب است که برخی رسانه‌های دنیا تصاویر این تجمعات عظیم را به هوش مصنوعی نسبت دادند. و یا بیان کردند که ایرانی‌ها در ازای دریافت پول به راهپیمایی آمدند!

## ما و فرصت‌های پیش‌رو

اکنون مسیر تاریخ، با شتابی بی‌مانند، به سوی تثبیت اشکال نوین استعمار و نهادینه‌سازی بی‌عدالتی حرکت می‌کند؛ وضعیتی که در آن، ظلم دیگر صرفاً از خلال ابزارهای سنتی اعمال نمی‌شود، بلکه از طریق سازوکارهای پیچیده اقتصادی، رسانه‌ای و به‌ویژه دانشی، بازتولید و نهادینه می‌گردد. در این میان، قدرت‌های جهانی با بهره‌گیری هدفمند از شبکه‌های علم و فناوری و با مشروعیت‌بخشی علمی به سیاست‌ها و تصمیم‌های خود، مناسبات نابرابر موجود را طبیعی و اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌دهند. در این دوره حساس تاریخی، ما در حال تماشای افول انسانیت و اخلاقیات در سرتاسر جهان هستیم. از نسل‌کشی بی‌رحمانه در غزه تا ربوده شدن رئیس‌جمهور یک کشور توسط آقای ترامپ، نشان از نابودی و ناکارآمدی قوانین بین‌الملل دارند. گویی هیچ کس نیست تا در برابر مجرمین جهانی بیاستد. اما نقطه اصلی زوال انسانیت زمانی مشخص شد که ما از برخی حقایق جزیره‌ایستین مطلع شدیم. اخبار منتشره از اسناد فاش شده اپستین آنقدر وحشتناک است که دل هر فردی را به درد می‌آورد...

متأسفانه ادر چنین شرایطی، نهاد علم و دانشگاه بعضاً از جایگاه مستقل، انتقادی و رهایی‌بخش خود فاصله گرفته و به ابزاری برای تحمیل اراده نیروهای خارجی در امور داخلی ملت‌ها بدل شده است؛ ابزاری که نه تنها از نقد ساختارهای ناعادلانه بازمی‌ماند، بلکه با تولید و ترویج دانشی همسو با منافع قدرت‌طلبان، به تداوم و تثبیت بی‌عدالتی یاری می‌رساند. از همین رو، دانشگاه دیگر نمی‌تواند مدعی بی‌طرفی باشد؛ چرا که بی‌طرفی در برابر بی‌عدالتی و اشکال نوین آپارتاید، خود شکلی از موضع‌گیری و همراهی با وضع موجود است.

اما آینده در دستان آزادگان جهان خواهد بود! امروز شما در جایگاه کنشگران سرنوشت‌سازی قرار دارید که انتخاب‌ها و تصمیم‌هایتان می‌تواند این روند ظالمانه را تقویت یا متوقف سازد. سکوت در برابر ظلم‌های آشکار و نظام‌مند، به‌ویژه هنگامی که با همکاری علمی و تخصصی همراه می‌شود، عملاً به معنای مشارکت در سازوکارهای نابرابری و اعطای مشروعیت به سیاست‌مدارانی است که بقای قدرت خود را بر رنج انسان‌ها بنا کرده‌اند. مقابله با این وضعیت، محدود به یک شکل خاص از کنشگری نیست. ایستادگی می‌تواند در قالب اعتراضات میدانی، روشنگری عمومی، نقد آگاهانه ساختارهای مسلط، و امتناع مسئولانه از هرگونه همکاری دانشی با نهادها و جریان‌های پشتیبان ظلم تحقق یابد. چنین ایستادگی‌ای، نه نفی علم، بلکه بازپس‌گیری آن از سلطه قدرت‌طلبان و بازگرداندنش به جایگاه حقیقی خویش است.

اکنون دفاع از ایران در برابر دخالت‌ها و تجاوزگری‌های اسرائیل، دقیقاً امتداد همان مسیر دفاع از فلسطین است؛ چون هر دو ملت در برابر رژیم‌های قرار دارند که بقای خود را بر ویرانی همسایگان و جنایت علیه بشریت بنا کرده است. همان روحیه ضداستعماری که در دانشگاه‌های آمریکا ریشه دوانده، اگر به درستی هدایت شود، می‌تواند سد راه پروژه‌های تجزیه‌طلبانه و مداخله‌جویانه‌ای باشد که علیه تمامیت ارضی ایران طراحی شده‌اند. نشان دهید اسرائیل از یک سو در غزه جنایت می‌کند و از سوی دیگر با ادعای حمایت از «حقوق بشر» در ایران، به دنبال فروپاشی اجتماعی و سرزمینی ایران است. نشان دهید سیاست‌مداران جهانی در جزیره اپستین حیوانی‌ترین و کثیف‌ترین اقدامات را علیه کودکان و دختران نوجوان روا می‌دارند و هم‌زمان، به بهانه حمایت از زنان ایرانی، تحریم‌های بیشتری بر علیه مردم ایران وضع می‌کنند. آمریکا و اسرائیل در حالی در ۱۳ ژوئن به ما و کشورمان حمله کردند که سیاستمداران ما به دنبال گفتگو با آنان در میز مذاکره بودند.

از حقیقت دفاع کنید. با دروغ پردازی مقابله کنید و صدای ما باشید؛ صدای کسانی در جست‌وجوی پایان دادن به نقض حقوق انسان‌ها، نسل‌کشی و غارت منابع و سرمایه‌های ملت‌ها هستند. صدای ما باشید؛ صدای کسانی که خواهان رهایی ملت‌ها از مداخله قدرت‌های خارجی، تحریم‌های ناعادلانه و استانداردهای دوگانه جهانی‌اند. امروز، هر گام شما می‌تواند امکان تغییر صفحات تاریک تاریخ آینده را فراهم آورد و افقی مبتنی بر عدالت، کرامت انسانی و رهایی، پیش روی جهان بگشاید.

در آخر، از شما دعوت می‌کنیم تا بار دیگر نامه‌های آیت الله خامنه‌ای<sup>۵</sup>، رهبر عزیز مقتدر کشور ما را، که خطاب به شما جوانان اروپایی و آمریکایی نوشته شده شده است را مطالعه کنید.